



۲۰۱۹/۰۳/۲۵



دویتی ویلی - جعفر عبدالکریم

آیا ترور علیه مسلمانان به ما ربطی ندارد؟

پس از حملات بر مساجد در زیلاند جدید، سکوت سیاستمداران و رسانه ها در آلمان شگفت انگیز است. جعفر عبدالکریم، گرداننده برنامه "شباب تاک" دوپچه وله در تبصره ای میپرسد که "آیا قربانیان این رویداد برای ما اهمیتی ندارند؟"

شام روز یکشنبه در برلین پایتخت آلمان در مقابل سفارت زیلاند جدید ایستاده بودم. تنها دو نفر دیگر در آنجا بودند. راستش شوکه شدم و به فکر فرو رفتم. پرسش های زیادی ذهنم را مشغول ساخت، مانند این که: چرا همدردی مردم در آلمان با قربانیان کرایست چرچ تا این حد کم است؟ چرا ابراز همبستگی گسترده وجود ندارد؟ شاید هورست زیهوفر وزیر داخله آلمان حق به جانب است که میگوید "اسلام به آلمان تعلق ندارد". من این وضعیت را طور دیگری توجیه کرده نمیتوانم.

مسلمانان در کشور های اسلامی و همچنان در آلمان این پرسش را مطرح میکنند: هرگاه قربانیان این حمله غیر مسلمان میبودند، در آن صورت آیا رسانه ها طور دیگری این موضوع را به بحث میگرفتند؟ چرا برخی اجتناب میکنند که عامل حمله را یک تروریست بنامند؟ چنان معلوم میشود که تروریست ها گویا همیشه همان یک دین مشخص دارند. اما در این حمله تروریستی وضعیت برعکس است. مسلمانان قربانی این حمله هستند نه عامل آن.

چرا سیاستمداران جهان گردهم نمیآیند و در برابر این جنایت اعتراض نمیکند، آنگونه که در حملات پاریس به جاده برآمدند؟ در برنامه "شباب تاک"، که در آن حمله کرایست چرچ را به بحث گرفتم، کاربران و بینندگان برنامه ام همین پرسش ها را مطرح کردند. سوال من اینست که آیا ما در آلمان هم در سطح مردمان کشور های عربی سقوط میکنیم که در آن کشور ها وقتی قربانیان غیر مسلمان باشند، آنگاه سر و صدا بزرگ نبوده و همبستگی محسوس نمیشود؟

اگر تروریست کرایست چرچ یک مسلمان میبود، در آن صورت یکبار اسلام در کل در مرکز توجه قرار می گرفت. حالا تروریست یک مرد سفید پوست است و هیچ گروه قومی در این جنایت وی مسئول خوانده نمیشود، بلکه از حمله کننده به عنوان یک عامل منفرد یاد می شود.

یک عمل انفرادی در چه حالتی از یک جمعیت نمایندگی میکند و چه زمانی جمعیت در آن نقشی ندارد؟ در حمله تروریستی کرایست چرچ هیچکسی از یک گروه قومی تقاضا نمیکند که از این رویداد فاصله بگیرند؛ و مردان سفید پوست حالا نباید هراس داشته باشند که شاید در میدان های هوایی دقیقتر کنترل شوند.

مسلمانان در آلمان ترس دارند

یک تحقیق در ایالات متحده آمریکا نشان داده است که رسانه های امریکایی زمانی که عامل یک رویداد مسلمان باشد به مراتب بیشتر در مورد آن حادثه گزارش میدهند. با آنکه تندروان راستگرا در ایالات متحده به وضاحت سوء قصد های بیشتری را انجام میدهند. به اساس این تحقیق، در این کشور در مورد عاملانی که مسلمان خوانده میشوند، به تناسب عاملان غیر مسلمان، ۴۴۹ درصد بیشتر گزارش داده میشود. چنین تحقیقی در آلمان انجام نیافته است تا وضعیت گزارشدهی در این موارد را بتوان قیاس کرد.

فقط دو روز پس از حمله تروریستی در کرایست چرچ، این رویداد دیگر در سرخط بسیاری رسانه های آلمانی قرار نداشت. تنها اطلاعات اندکی آنها در سطوح پایین گنجانیده می شدند. پس کجاست آنهمه بحث های تلویزیونی (که معمولاً در موارد مشابه راه اندازی میشوند)؟

در آلمان حدود پنج میلیون مسلمان زندگی میکنند. من روز جمعه گذشته به یک مسجد رفتم تا نظر مسلمانان را در مورد حمله تروریستی در زیلاند جدید بپرسم. بلی، مردم در مسجد به من گفتند که ترس دارند. آنها خود را امن احساس نمیکند. پولیس آلمان سالانه صدها مورد عمل اسلام ستیزانه را ثبت میکند. در شهر درپسند حتی با مواد منفجره بالای یک مسجد حمله صورت گرفت. به اساس معلومات مقدماتی، در ۹ ماه اول سال گذشته میلادی ۵۷۸ جرم و جنایت اسلام ستیزانه در آلمان صورت گرفت. عاملان این جرایم در تقریباً همه مورد تندروان دست راستی بودند.

ترور دین و مذهب نمی شناسد

یک خانم چادرپوش به من گفت: «میتسم که در آلمان نیز شاید چنین اتفاقی بیفتد!» امروزه تنها او نیست که چنین نظری دارد. نباید فراموش کنیم که در سال ۲۰۰۹ در سالون محکمه در شهر درپسند، یک بانوی مسلمان به نام مروه شربینی که در آلمان زندگی میکرد، از سوی یک راستگرای افراطی به ضرب کارد به قتل رسید. مسجدی که من در آن با مسلمانان حرف زدم، تحت نظر اداره استخبارات داخلی آلمان قرار دارد. به اصطلاح "دایره شیطانی" در همینجا تکمیل میشود. همواره میشنوم که خود مسلمانان مقصر اند. دین آنها گویا از خطر و فشار نمایندگی میکند و با دموکراسی همخوانی ندارد. من اولین کسی هستم که میگویم از اسلام انتقاد شود، اما این قربانیان مسلمان نیز سزاوار همدردی و همدلی ما هستند. باید تفکیک این دو موضوع ممکن باشد.

انسان ها در کرایست چرچ هنگام عبادت به قتل رسیدند. آنها بیگناه بودند. آزادی عقاید دینی و آزادی عبادت یک حق بشری است که باید مورد احترام و صیانت قرار داشته باشد. چنین چیزی در قانون اساسی هر کشور غربی تسجیل شده است. بین انتقاد از اسلام و اسلام هراسی باید تفکیک شده بتواند، زیرا این مسلمانان از یک اسلام بنیادگرا و افراطی نمایندگی نمی کنند، همانگونه که اروپایی ها از تفکر راستگرایانه افراطی حمله کننده کرایست چرچ نمایندگی نمی کنند.

من هنوز هم در جست و جوی پاسخ به این پرسش ها هستم که آیا به خاطری که زیلاند جدید از آلمان بسیار دور است ما با قربانیان آنجا احساس نزدیکی نمیکنیم؟ اگر این حمله در آلمان و یا یک کشور دیگر اروپایی صورت میگرفت، آیا وضعیت طور دیگری میبود، زیرا ما خود را بیشتر آلمانی و اروپایی میدانیم؟ اما انسان ها آخر در هرکجای که باشند، انسان اند، صرفنظر از وابستگی دینی، رنگ پوست و ریشه قومی شان!

بلی، هراس از این وجود دارد که روزی یک مسلمان تندرو دوباره یک حمله تروریستی را انجام بدهد. در آنصورت نیز ما باید با قربانیان همبستگی و همدردی داشته باشیم. ترور دین نمی‌شناسد.

